



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۷/۱۵

نویسنده: بهادرا کومار
مترجم: رسول رحیم

چین انگیزه اش از افغانستان را توضیح می دهد

کنفرانس وزیران سازمان همکاری های شانگهای در دوشنبه

منبع: اندین پنچ لاین ۱۵ جولای ۲۰۲۱

نشست وزیران سازمان همکاری شانگهای و نشست سازمان همکاری شانگهای- گروه کاری افغانستان در دوشنبه، از ۱۳ تا ۱۴ ماه جولای در مورد رویکرد چین در اوضاع در حال تغییر و انکشاف افغانستان روشنی انداخت. روشن سازی اهداف و انگیزه های چین توسط وانگ بی مشاور دولت و وزیر خارجه آن کشور به موقع و مرتبط به موضوع می باشد، زیرا چین اخیراً آهنگ کارش را در جهت یک نقش فعال تر در مرحله اساسی پروسه صلح افغانستان تغییر داده است.

اظهارات وانگ به روز چهارشنبه در کنفرانس مطبوعاتی اش در شهر دوشنبه، در ارتباط با اوضاع افغانستان در گرویدار شک و تردید های شایع در رسانه های غربی (وهندی) در مورد بلعیده شدن افغانستان توسط چین، یک نقطه مرجع ارزش مند را تشکیل می دهد. برای اذهان منطقی بدیهی است که بیجنگ نهایت محتاط است که در گرداب افغانستان غرق نشود. این نخستین امر است.

به زبان ساده، چین نمی خواهد که در افغانستان مداخله نظامی بکند و آن اشتباهات اتحاد شوروی پیشین و ایالات متحد امریکا را تکرار بکند که در تاریخ معاصر مرتکب شده اند. در دوره پس از این آستانه، چین یک سهامدار در امنیت و ثبات افغانستان است.

وانگ به نگرانی های امنیتی چین در وضعیت حاکم در سه جهت عمده اولویت قایل شد، یعنی اینکه پیش گیری از آن که منازعه جاری به یک جنگ داخلی کامل العیار تبدیل گردد، آغاز سریع گفت و گو های صلح و از بین بردن خطر اینکه افغانستان دوباره دروازه گردان گروه های تروریستی بین المللی گردد.

چین مطمئن است که پیامد های وضع امنیتی افغانستان می تواند مهار گردد. چین به طور سازنده ای با حکومت اشرف غنی و طالبان در تعامل است. بیجنگ از رابطه عالی با حکومت غنی برخوردار است که در جریان این همه سال ها از آن حمایت نموده است و در شرایط دشوار حکومت وی دارای سابقه قابل اعتماد می باشد.

به عین ترتیب بیجنگ قدر دان آن است که حکومت غنی اهمیت بسیار زیادی به تحکیم روابط با چین قایل بوده است و در بین تمام کشور های منطقه، تعهد چین را برای ثبات افغانستان غیر جانبدارانه و فارغ از ملاحظات جیوپولیتیکی می داند. در حقیقت این اعتبار را باید به حکومت چین قایل شد که در عین داشتن چنان روابط قوی با حکومت غنی، خط ارتباطی را با طالبان نیز باز نگاه داشته است.

عمق و انعطاف پذیری روابط چین و طالبان یک مساله مربوط به گمانه زنی ها بوده و می توان گفت بیشتر بر مبنای فرض آسان رابطه چین - پاکستان - طالبان به وجود آمده است. اما واقعیت بسیار پیچیده تر از آن است.

طالبان نسبت به چین اظهار دوستی می نمایند، اما کنفرانس دوشنبه می خواهد خطوط اشتباه در این زمینه را بزدايد. چنان که وانگ بیش از یک بار عدم رضایت چین را در مورد این ابراز داشت که طالبان تا هنوز با همه نیروهای تروریستی روابط اش را پاک و کاملاً قطع نکرده است و طالبان (باید) به سیاست متعارف در افغانستان « توام با رفتار مستولانه نسبت به کشور و مردم برگردند.» این اظهارات خیره کننده باید در همه ابعاد آن محتاطانه دانسته شود.

کافی است که گفته شود چین به مثابه یک کشور همسایه در مورد علایق اسلامی ملت افغانستان تجویزی نمی کند و دقیقاً اصل عدم مداخله اش در امور داخلی یک کشور را برافراشته نگه می دارد، اما همچنان واقعاً از خط نازکی آگاه است که پیکارجویی اسلامی را از تروریسم جدا می سازد.

این امر نمی تواند طور دیگری باشد، زیرا چین یک جمعیت مسلمان ۲۰-۲۵ میلیون نفری دارد که در مناطق مرکزی و غربی شین جیانگ، گانسو و نینگشیا و غیره زندگی می کنند که از نگاه جغرافیایی با آسیای مرکزی نزدیکی دارند.

تناقض در آن است که در حالی که چین در مورد دستور کار پنهانی ایالات متحد آمریکا سوطن داشته است، نگرانی بزرگ تر وی هنوز در آن است که در پایان بیرون رفتن امریکائی ها، شاید چلنج تروریسم بیم انگیز تر باشد و آنهم در صورتی که گروه های تروریستی مانند جنبش اسلامی ترکستان شرقی که شین جیانگ را تهدید می نماید، شاید گستره و فضای عملیاتی بزرگ تر از درون خاک افغانستان پیدا کند.

مسئله چین نمی تواند به پاکستان کاملاً اعتماد کند که طالبان را به مثابه اهرم قدرت در کشور بزرگی مانند افغانستان به کار گیرد. البته سخنگوی طالبان چین را «یک دوست افغانستان» توصیف نموده است. اما چین به خود می پیچد که آیا طالبان در موقعیتی هستند که انتظارات چین را بر آورده سازند. عیار این آزمون در آن نهفته است که طالبان تصمیم بگیرند یک قطع رابطه کامل با نیروهای تروریستی نمایند.

واضحاً چین نمی خواهد که ساختار دولتی افغانستان سقوط کند و یا اینکه در افغانستان یک خلاء به وجود آید. بنابراین، از احتمال به دور است که چین حمایت های مادی و کمک های انسانی و تهیه اسلحه اش را به حکومت افغانستان پایان بدهد و یا از آن همکاری های استخباراتی دست بردارد که برای عملیات ضد تروریستی در جهت تقویت حکومت کابل به وجود آورده است.

برعکس روسیه که روابط توأم با اندک رنجی ها با غنی داشته است، چین و ایران به طور قابل درکی در حکومت کابل یک طرف صحبت پذیر داشته اند. اما عین شک در مورد دوام حکومت غنی در برابر چلنج ها از جانب طالبان وجود دارد.

بدون تردید، نابودی دولت افغانستان یک سناریوی توأم با کابوس برای بیجنگ است. در این ارتباط چین و ایران تقریباً موقف مشابه دارند. برعکس روسیه که روابط توأم با اندک رنجی ها با غنی داشته است، چین و ایران به طور قابل درکی در حکومت کابل یک طرف صحبت پذیرا داشته اند. اما عین شک در مورد دوام حکومت غنی در برابر چلنج ها از جانب طالبان وجود دارد.

وانگ پیشنهاد نموده است که چین حاضر است «در هر وقت» میزبان تسهیل کننده در مذاکرات بین الافغانی باشد و به مسئله راه حل سیاسی افغانستان کمک کند. چین بیشتر شیوه مستقلاً را به کار می گیرد و بر امکانات دست داشته اش مانند مناسبات دوستانه با پاکستان و معادلات دوستانه با دستگاه کابل و ظرفیت بزرگش جهت تامین کمک های مادی و شهرت به مثابه یک همسایه خیر خواه و در راس همه، راه یافت سازنده اش، متکی می باشد. نگرانی های امنیتی چین وجود دارند و بسیار خاص بوده و در این زمینه تا جایی که به ترس از برهم خوردن اوضاع افغانستان و گسترش سریع این اوضاع نا بسامان به آسیای مرکزی مربوط می شود، با روسیه نزدیکی هائی دارد.

ارتقای سقف گروه تماس سازمان همکاری شانگهای- افغانستان تا سطح وزیران خارجه که برای نخستین بار از زمان تاسیس آن در سال ۲۰۰۵ به اینسو صورت می گیرد، حکایت از عاجل بودن موضوع می نماید. وانگ از تقاضای تشکیل یک حکومت موقت در افغانستان خود داری کرد. اما چرا چین سنت کنفرانس دوحه را به ارث ببرد؟ یکی از تحلیل گران روزنامه "گلوبال تایمز" تاکید نموده است که «موضع چین در مورد افغانستان تغییر ناپذیر می ماند و چین هنوز از حکومت افغانستان به خاطر تلاش های که برای باثبات گردانیدن اوضاع انجام می دهد ستایش می کند، با وجود آن که طالبان به چین ابراز دوستی می نمایند.»

چین خود را بی هوده مصروف آن نمی سازد که بعد از خروج آمریکا قدرت در افغانستان چه نوع می باشد، بل نگاه دوراندیشانه تری دارد. بنا به تخمین چین، تا یک آینده قابل پیش بینی قطع نظر از این که چه شکل حکومتی روی کار می باشد، ادامه مبارزه علیه تروریسم یک مسئولیت بین المللی افغانستان خواهد بود، بنابراین، این امر اساس روابط آینده افغانستان و چین باقی می ماند.

وانگ در نشست گروه تماس افغانستان - سازمان همکاری شانگهای از تمام جناح های افغانی تقاضا نمود که نقشه راه و تقسیم اوقات شان را برای آشتی روشن گردانند، همچنان بنیاد مستحکمی را برای «یک ساختار سیاسی وسیع و فراگیر» برای افغانستان پی ریزی نمایند. نکته قابل ذکر آن که در حضور وزیر خارجه افغانستان، وانگ مکرراً تقاضایش را از طالبان مورد تاکید قرار داد که به تعهدات شان دایر به قطع رابطه با سازمان های تروریستی بین المللی احترام نمایند.

در یک وضعیت مطلوب چین و ایالات متحد آمریکا می توانستند شرکای هم باشند. اما صاف و ساده در روابط آن ها شفافیت وجود ندارد. وانگ از ایالات متحد آمریکا تقاضا نمود که «به تعهدات خود احترام بگذارد و میزان آن را افزایش بدهد.»، اما توأم با آن تاکید نمود که دولت های منطقه باید مراقب هر نوع تلاش کدام قدرت خارج (منطقوی) باشند که بخواهد امنیت و ثبات منطقوی را تضعیف نموده و از هرج و مرج در افغانستان بهره برداری نماید.

به زبان ساده ، چین به نیت امریکا در افغانستان با سوءظن بزرگی می نگرده. چین انتظار ندارد که ایالات متحد امریکا در افغانستان دلگرمی به کارهای بازسازی و یا ملت سازی داشته باشد. با اینهمه چین نه تنها دخالت متداوم ایالات متحد امریکا در افغانستان را پیش بینی می کند، بل حتی تلاش های را برای گسترش حضور نظامی امریکا در منطقه به بهانه فعالیت های ضد تروریستی و در اصل به دلایل جیوپولتیکی نیز پیش بینی می نماید.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالپولو مخکي په څير و لولئ